

المسالك والمالک)، تفسیر، علم کلام، علم اخلاق،
اللسنة و حتى نجوم دوزگاری را گذرانده و در آن علوم به تبحر
استادی رسیده بود، به همین جهت خواننده، تاثیرات این علوم
در جای کتاب تسبیه والاشراف به خوبی می‌بیند. وسعت
عید و دسترسی به انواع منابع و شواهد علمی سبب شده است
کتاب در حد یک دایره المعارف از علوم مختلف که انسان
تسبیه تاریخی دارد و نتیجه ای اخلاقی و عبرت آموز را بیان
دارد، به نظر بیاید. جنبه های اخلاقی و حکمت آموز
جهان آفرینش در نظر مسعودی را می توان در این بیان او دید،
بعجا که می نویسد:

«چه جالب و دقیق است پیوستگی و نظم امور جهان و
حکم خالق جل و عز را، در نظم طبایع چهار گانه عالم سفلی
نه خاک و آب و هوا و آتش است بنگر که به همین ترتیب
نظم است». ۲

در یک تقسیم بندی کلی مطالب التبیه والاشراف را می توان
دو دسته تقسیم کرد:

الف : اطلاعات جغرافيّي
ب : اطلاعات تاريخي .

اطلاعات جغرافیایی اعمدتاً شامل شرح تقسیمات زمان و
صیول سال ، شکل زمین ، مساحت آن ، مناطق مسکونی و
بیررسکونی زمین ، تقسیمات و جنود اقلیم های هفت گانه ،
تلول و عرض بلاد ، اسمی دریاها و تعداد آنها می باشد .

اطلاعات تاریخی خود به شش دسته اعمد تقسیم
می شود : ۱- تاریخ اقوام هفت گانه و زبان و عقاید و
نامستگاههایشان ۲- تاریخ ایران ۳- تاریخ یونان ۴- تاریخ روم
۵- تاریخ پیغمبران و ۶- تاریخ اسلام .

مسعودی در دیباچه ای با عنوان «دکر هدف این کتاب» با سرگش و آنچنان که شایسته هر موخ صادق و سلیم نفسی است، اختلال اشتیاهات موجود در کتاب خویش را نه تنها فنی نمی کند بلکه متواضعه آن را بذیرفت و علت آن را ناشی غفلت اختلال دانسته و می نویسد:

«اگر در تالیف ما خطای رخ داد از آن گونه که مبتلایان
عقلت انسانی و خطای بشری از آن مخصوص نتوانند بود یا
ستمرار غربت و دوری ازوطن و سفرهای پیاپی موجب شده
ست، عذر می خواهیم که گاهی به شرق و زمانی به غرب
دیده ایم».

پس از مقدمه ، بخش اول کتاب شروع می شود که
در آنکه هیئت افلاک و تأثیر نجوم و ترکیب عناصر و چگونگی
عملیات آن است « اقوال افلاطون و ارسطو طالیس درباره
هیئت افلاک ، راس سلطان ، راس جدی و خط استوا و معرفت
کان چهارگانه (آتش و آب و هوا و زمین) و تأثیر آنها
و تشکیل باد و باران و بیان این عقیده که زمین در میان همه
بلایا است و فک از آن گریزان و بر آن محیط است از
وضواعات مهم این بخش است .

مسعودی پس از آن به «دکتر تقسیم زمان و فصول سال» رداخته، تقسیمات چهارگانه فصول و مدت زمان آنها بر سه ماه و روز و ساعت را برابر می‌شمارد. قسمت انتهایی این خشناخت با گفتاری از بطلمیوس پایان یافته است که وی فصل ها را به دوره طفولیت و فصل تابستان را به دوران جوانی و فصل باییز را به کهولت و زمستان را به پیری همانند کرده است.

«ذکر بادهای چهارگانه و محل وزش آن و عمل و اثر آن مطالبی در ستایش و تذکار فضیلت مصر و امتیاز آن بر اهای دیگر» عنوان بعدی است. بخش دیگر کتاب در «ذکر فقیهین و شکل آن و آنچه درباره مساحت و أباد و غیرأباد آن فقهه اند» می باشد. در این بخش مسعودی همه مناطق زمین

نقد و نظر در باب کتاب التنبیه والاشراف

ثُر پراؤاڑہ مسعودی
بورخ معروف مسلمان

فاطمه عطاران

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی که نسبش به
بیدالله بن مسعود صحابی معروف پیامبر (ص) می رسد از
عکبرترین مورخان اسلامی است. وی در اوآخر قرن سوم
بجری در عراق به دنیا آمد. شور و شوق و علاقه به دانش
ندیوزی سبب شد تا راه سیر و سفر به سرزمین های مختلف را
روشیش گیرد. او سرانجام در سال ۳۳۶ ه. در مصر مقیم شد
در جمادی الثاني سال ۴۴۵ ه. در زمان خلافت المظیع
ملیفه عباسی در شهر فسطاط مصر درگذشت. حاصل تحریرات
مسعودی هفت کتاب بود که از میان آنها تنها دو کتاب ارزشمند
نام های مروج الذهب و معادن الجوهر (ترجمه ابوالقاسم
ایینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۵) و التنبیه
الاشراف و اخیراً کتاب اخبار الامان (ترجمه کریم زمانی،
تهران، انتشارات اطلاعات ۱۳۷۰) به دست ما رسیده است.
ای درباره کتاب های سابق خود و همچنین درباره التنبیه
الاشراف می نویسد: «المناسب دیدیم از یک کتابهای سابق،
کتاب هفتتم را به اختصار التنبیه و الاشراف تالیف کنیم.»
مسعودی هنگامی به نگارش این کتاب پرداخت که مدت
مانی پیش تر از آن به فراگرفتن علوم دیگری چون جغرافیا

تشکیل می دهد. بیان حوادث مهم سیاسی این دوران مانند قیام امام حسین (ع)، قیام مختار، قدرت گیری زبیریان، قیام ابن اشعث، قیام یزید بن مهلب و قیام زید موضوعات عمدۀ تاریخ امیان می باشد که مسعودی با بیانی موجز به نقل آن پرداخته است.

«لاک حادثی که پس از قتل مروان بر بنی امية گذشت» عنوان بخش دیگر کتاب است. جریان پراکنده شدن بنی امية در ولایات و چگونگی تشکیل حکومت امیان در اندلس بواسیله عبدالرحمن بن معاوية بن هشام بن عبدالمالک بن مروان در سال ۱۳۹ ه. و ادامه این حکومت تا سال وفات مسعودی و مختصراً از تاریخ حکومت هر یک از این خلفاً در این بخش مورد مذاقه قرار گرفته است.

عنوانین بعدی کتاب مربوط به تاریخ خلفای بنی عباس از خلافت ابوالعباس سفاح تا خلافت مطیع می باشد آغاز روی کار آمدن عباسیان و دعوت آنان، تثبت مقام وزارت، ولایتمدی امام رضا (ع) و اخبار مربوط به ایران مانند تاسیس دولت طاهریان، قیام بابک خرم دین، قیام افسین و قیام صاحب الزنج همراه با شرح مختصراً از خلق و خوی خلفاً، موضوعات مطروحه این بخشها را تشکیل می دهد.

مسعودی به خوبی وضع آشفته مدینه السلام (بغداد) در زمان سه خلیفه عباسی (مقفى، مستکفى و مطیع) شرح داده و می نویسد:

«وما از اخلاق متقد و مستکفى و مطیع سخنی نیاوریم که آنها همانند محجوران بوده اند و کاری بدستشان نبوده است غالب ولایتهای دور به دست غلبه جویان افتاده و بواسیله سیاه و مال برآن تسلط یافته اند و فقط عنوان آنها را امیرmomان نوشته و خطبه به نامشان می خوانده‌اند. آبادی کم و راهها نالمن است.»^۸

قسمت انتهایی کتاب را مسعودی با ذکر این مطلب به پایان می برد که وی در سال ۳۴۵ ه. و در دوران خلافت مطیع از کار تالیف کتاب فرانگ یافته است.

به نظر می رسد آنچه که کتاب التنبیه والاشراف مسعودی را از سایر کتب تاریخی متمایز می سازد نکات پرجسته و قابل توجه در شیوه نگارش و تدوین تاریخ نگاری مسعودی در این کتاب می باشد که این نکات به قرار زیر است:

۱- استفاده از مشاهدات دقیق و تجربیات شخصی از طریق مسافرت ها. مسعودی از شهرها و ایالاتی نام می برد که شخصاً خود به آن مناطق سفر کرده است. برای مثال از حضور خویش به سال ۳۰۳ ه. در شهر استخر فارس یاد می کند:

«به سال سیصد و سوم در شهر استخر فارس به سال نوزدهم یکی از بزرگ زادگان ایران کتابی دیدم که از علوم و اخبار ملوک و بناتها و تدبیرهای ایرانیان مطالب فراوان داشت، تصویر بیست و هفت تن ازملوک ایران از خاندان ساسانی...»^۹

و درباره حضورش در سال ۳۴۴ ه در شهر فسطاط مصر و وقوع زلزله می نویسد:

«در ماه رمضان سیصد و چهل و چهار، نزدیک سی زراغ از بالای مناره از زلزله ای که در مصر و بیشتر دیار شام و مغرب در یک وقت رخ داد ویرانی گرفت و ما در فسطاط بودیم که اخبار متواتر آن به ما رسید زلزله ای سخت هول انگیز بود و نیم ساعت دوام داشت.»^{۱۰} مسعودی همچنین درباره مناظراتی که در سفر به مناطق اردن و فلسطین داشته نیز مطالعی نوشته است.^{۱۱}

۲- نکته دوم در دست یابی و بهره‌مندی از انواع منابع همچون کتب، زیج ها و حتی نقشه های جغرافیایی و تسلط وی بر منابع و آراء و نظرات مؤلفین آنان می باشد. مسعودی در کتاب خویش از نقشه جغرافیای جهان که به نقشه مامونی

معروف بوده و خود آن را دیده است نام می برد و درباره آن می نویسد:

«من این اقلیم ها را در بیشتر از یک کتاب دیده ام که به رنگهای گوناگون کشیده بودند بهتر از همه آن بود که در کتاب جغرافیای مارنیوس دیدم. در نقشه مامونی نیز که برای مامون ساخته اند و در کار آن جمعی از حکیمان عصر شرکت داشته اند جهان را با افلاک و نجوم و خشکی و دریا و آناد و بایر و محل اقوام و شهرها و دیگر چیزها کشیده اند و این از جغرافیای بطلمیوس و جغرافیای مارنیوس وغیره که پیش از آن بوده است نکوت است.»^{۱۲}

و درباره کتاب های المسالک والممالک می نویسد:

«احمدین طیب سرخسی رفیق یعقوب بن اسحاق کندی کتابی نکو درباره مسالک و ممالک و دریاها و اخبار بلدان و غیره نوشته و نیز ابوعبدالله محمدبن احمد جیهانی کتابی درباره وصف جهان و اخبار و عجائب آن تالیف کرده. کتاب المسالک و الممالک ابیوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خردابه در وقت حاضر از همه این کتابها میان خاص و عام معروف‌تر است.»^{۱۳}

همچنین مسعودی در هر قسمت از کتاب خود که لازم داشته، با ذکر مأخذ به توضیح مطالب پرداخته است مثلاً در بیان تاریخ فتح سرزمین مصر از روایت احمدبن جابر بلاذری سود جسته است:

«فسطاط مصر توسط عمروبن عاص در سال بیستم

آنچه که مسعودی کمتر به آن توجه نموده، نقد و بررسی دقیق احادیثی است که وی از قول پیامبر (ص) نقل کرده است.

این عدم دقت هم به لحاظ محتوا و موضوع و هم به لحاظ اثبات سنتیت می باشد

بنیاد شد رفتن عمر و به مصر و جنگها که با مردم آن داشت با توجه به اختلافی که در این مورد هست به سال نوزدهم بود. احمدبن جابر بلاذری در کتاب فتوح البلدان چنین اورده و گوید قلعه‌ای که در میان فسطاط بود و بر سر آن جنگ شد اکنون به قصر الشمع موسوم است.»^{۱۴}

۳- دیدگاه معتقدانه و در عین حال احترام‌آمیز و قدرت تحمل و استنتاج ای در برخورد با آراء و عقاید گذشتگان نیز قابل توجه می باشد. برای مثال مسعودی درباره یکی از اظهارات بطلمیوس بر وی خرده گرفته و می نویسد:

«بطلمیوس کلواذی نظریات بسیاری از معتقدان را که به شناخت معموره جهان و حیوانات پرداخته اند چون مارنیوس و ایرخس و غیره را تخطیه کرده که چرا گفتار بازرگانان و دیگر کسان را درباره نهایت معموره پذیرفته اند که در این سخنان که گویند به این نقاط دور رسیده‌اند دروغ و تحریف تواند بود اما

خود بطلمیوس وقتی خواسته این مسائل را بداند ناجا چیزی را که بر معتقدان عیب گرفته شخصاً به کاربرده و اخبار فرسنگ‌دان اعتماد به آفاق برای آنکه نهایت معموره زمین مسکون را بداند پذیرفته و آنچه را به دلایل نجومی کشف

أخبار الرمان

ابوالحسن علی بن جعیں

مسعودی

ترجمه کریم رمانی



نشانه ایجاد و پردازش

نمران - ۱۳۷۰

کرده با آن مقایسه کرده بدبیسان چیزی را که نمی پرسندیده مورد توجه قرار داده است.^{۱۵}

همچنین مسعودی اگرچه آراء گروهی از شافعیان درمورد آیه‌ای از قرآن که در فتح مکه نازل شده است را مطرح کرده، اما در نهایت رای محمدبن جریر طبری مبنی بر اینکه آیه مذکور مربوط به چنگ حدیثه است را می‌پذیرد.^{۱۶}

۴- ویزگی دیگر مسعودی دقت در توصیف جغرافیای تاریخی شهرها و بلاد می‌باشد. این دقت و حساسیت گاه به حدی است که خواننده را به تحسین و امیدوارد، برای مثال می نویسد:

«گویند رود جیحون به نیزارها و مردانها منتهی می شود و در آنجا فرب می رود و نیز گویند که در نزدیک کرمان به دریای هند می‌ریزد. ما به گرسیر و سرددیر فارس و کرمان و سیستان رفتایم و این را مطابق واقع نیافتایم.»^{۱۷}

و درباره مصر می نویسد:

«مصر به حدود افریقیه و سرزمین سودان و دریای حجاز و دریای شام محدود است و بزرخ میان دو دریاست که در قرآن آمده زیرا از فرما که بر کنار دریای روم است تا قلزم که کنار دریای چین است یک شب راه است که از همه ممالک اطراف این دریا اقسام کالا و تخفه و چیزهای کمیاب از قبیل عطر و ادویه و دارو و جواهر و برد و چیزهای خوردنی و پوشیدنی بدانجا آرند که از همه دریاها بار بدانجا فرود آرند.»^{۱۸}

و درباره سرزمین توک می نویسد:

«پس از آن پیغمبر (ص) در ماه رجب به غزای توک رفت که مجاور دمشق شام است. از توک تا مدینه نود فرسخ است که دوازده منزل می شود.»^{۱۹}

۵- استفاده از تقویم‌های مختلف و تطبیق و مقایسه آنها با یکدیگر برای بیان وقایع و حوادث مهم تاریخی از دیگر امتیازات کار مسعودی است. مثلاً مسعودی درباره حکومت هرق‌ل می نویسد:

«هرقل بیست و دومین پادشاه نصرانی روم بود و به سال سی و سوم پادشاهی خسروپرورز به پادشاهی رسید و بیست و

مقتل امام حسین (ع) و بخش دیگری را به ذکر نام فرزندان علی بن ابیطالب (ع) اختصاص داده است بنابراین وجود برخی تنبیهات و دیدگاههای شیعی دروی اثبات می‌گردد.

۹- خصوصیت دیگر تاریخ نگاری مسعودی در کتاب التنبیه والاشراف در قسمت مربوط به تاریخ اسلام که شامل تاریخ زندگی پیامبر (ص) در مکه و مدینه، تاریخ خلفای راشدین، تاریخ خلفای اموی و تاریخ خلفای عباسی تا سال ۳۴۵ هـ است. ایجاز و خلاصه‌گویی و پرهیز از هرگونه تفصیل در روایات می‌باشد.

۱۰- تلفیق دو نوع تاریخ‌نگاری، حولیات (وقایع بعتریب سال) و تاریخ‌نگاری موضوعی است. اگر تاریخ‌نگاری طبیری بر اساس حولیات و تاریخ‌نگاری یعقوبی موضوعی است می‌توان اذعان کرد که تاریخ‌نگاری مسعودی تلفیقی از هر دو نوع است. چرا که مسعودی واقعیت مهم زندگی پیامبر (ص) از بعثت تا رحلت را به شکل حولیات و تاریخ خلفای راشدین، امویان و عباسیان را به روش موضوعی تلویں نموده است.

با وجود نکات مثبت و بسیار ارزشمند کتاب التنبیه والاشراف این نکته را نیز باید اضافه کرد که آنچه مسعودی کمتر به آن توجه نموده، نقد و بررسی دقیق احادیثی است که وی از قول پیامبر (ص) نقل کرده است. این عدم دقت هم به لحاظ محتوا و موضوع هم به لحاظ اثبات سنتیت می‌باشد.^{۲۷} در خانمه لازم به یادوری است که ترجمه روان‌آقای ابوالقاسم پایینه تنها ترجمه موجود از کتاب می‌باشد و هنوز هم پس از گذشت حدود سی سال ارزش آن کاستی نگرفته است. همچنین فهارس متعدد کتاب شامل فهرست اسامی اشخاص، فهرست کتب، فهرست قبایل و مذاهب و فهرست اماکن بهره‌گیری از مطالعه کتاب را آسان نموده است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مسعودی، علی بن حسین؛ التنبیه والاشراف، ترجمه ابوالقاسم باینده تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص. ۵.
- ۲- همان، ص. ۱۴.
- ۳- همان، ص. ۶.
- ۴- همان، ص. ۳۶.
- ۵- همان، ص. ۹۶.
- ۶- همان، ص. ۱۴۴.
- ۷- همان، ص. ۲۷۸.
- ۸- همان، ص. ۳۸۷.
- ۹- همان، ص. ۹۹.
- ۱۰- همان، ص. ۴۸.
- ۱۱- همان، ص. ۱۰۵.
- ۱۲- همان، ص. ۳۲-۳۳.
- ۱۳- همان، ص. ۲۱.
- ۱۴- همان، ص. ۳۴۱.
- ۱۵- همان، ص. ۴۹-۳۰.
- ۱۶- همان، ص. ۳۴۵.
- ۱۷- همان، ص. ۶۳.
- ۱۸- همان، ص. ۲۰.
- ۱۹- همان، ص. ۲۴۹.
- ۲۰- همان، ص. ۱۴۲.
- ۲۱- همان، ص. ۲۰۸.
- ۲۲- همان، ص. ۱۵۲.
- ۲۳- همان، ص. ۱۳۰-۱۳۱.
- ۲۴- همان، ص. ۲۲۹.
- ۲۵- همان، ص. ۳۳۴.
- ۲۶- همان، ص. ۲۱۱.
- ۲۷- همان، ص. ۹۶.

۷- یکی دیگر از ویژگی‌های تاریخ نگاری مسعودی در کتاب التنبیه والاشراف توجه و تاکید وی درپرداختن به چنینهای مختلف زندگی همچون مسائل دینی، اقتصادی و حتی معماری است که این امر متأثر از دیدگاه فراگیر و عام او نسبت به علم تاریخ است. برای مثال مسعودی مباحث کلامی امامت را در کتاب خوش‌آورده و عقاید رایج پیرامون آن را مورد بررسی قرار داده است. وی همچنین درباره کلیساهای ساخته شده توسط قسطنطینی اول می‌نویسد:

«هیلاتی [قسطنطینی اول] کلیساها که اکنون به نام کلیساهاي قیامت معروف است و به روز شنبه بزرگ که صحیح آن فصح است آتش در آن نمودار می‌شود با کلیساهاي قسطنطینی در ایلیا ساخته و هم بر کوهی که بر پیست المقدس مشرف است و به نام طور زیتا معروف است و مقابل قبله یهود است برای زنان و مردان دیرها بنا کرد. هیلاتی همچنین کلیساهاي رها را ساخت که یکی از چهار اعجوبه جهان است.»^{۲۸}

۸- نکته دیگر در مورد مسعودی و کتابش، وجود برخی دیدگاههای شیعی در او برای تبیین وقایع و حوادث تاریخی است. مسعودی حدیث منزلت را که سندی در حقانیت جانشینی امام علی (ع) توسط شخص پیامبر (ص) است با ذکر واقعه تاریخی آن نقل کرده و می‌نویسد:

«پیامبر (ص) تا توک رفت و در آنجا ده ماه و چند روز و به قولی بیست روز بماند که نماز قصر می‌کرد سپس به مدینه

پنج سال پادشاهی کرد. در اولين سال پادشاهی هرقل هجرت پیامبر (ص) رخ داد. وی در همه ایام پیامبر (ص) و ایام ایوبکر و عمر و دو سال از خلافت عثمان پادشاهی کرد.^{۲۹}

و درباره تولد پیامبر (ص) در عام الفيل... مامریع الاول مطابق با روز هشتم دی ماه سال هزار و سیصد و هفدهم از پادشاهی بخت النصر و روز بیستم نیسان سال هشتاد و هشتاد و دوم اسکندر پسر فیلیپس شاه و سال سی و نهم پادشاهی انشیروان خسرو پسر قباد پسر فیروز، شصت و پنج روز پس از درآمدن اصحاب فیل به مکه و به قولی کمتر از این رخ داد.»^{۳۰}

۹- اطلاعات بسیار جامع و دقیق مسعودی از سرزمین روم بیشتر جالب توجه است. خاصه آنکه فضول مربوط به تاریخ روم نسبت به حجم کتاب قابل توجه و چشم‌گیر می‌باشد.

مروج الذهب

بدائل

تایید

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی

ترجمه

ابوالقاسم باینده

مکرر نظرات علی برکی

۱۰۱

مسعودی در بخشی از کتاب با یک تقسیم‌بندی جدید به بیان تاریخ ملوک روم از آغاز هجرت تا سال ۳۴۵ هجری پرداخته که در حقیقت مقایسه‌ای است از واقایع مهم تاریخ اسلام با حوادث مهم امپراتوری روم

مسعودی با مطرح کردن یک تقسیم‌بندی جدید (ذکر طبقات ملوک روم از هجرت تا سال ۳۴۵ هـ) و با تلفیق زمان و مکان، وقایع امپراطوری روم را از آغاز اسلام تا پایان حیات خود شرح می‌دهد. بدین ترتیب مسعودی در شمار نخستین مورخانی قرار می‌گیرد که به تاریخ امپراطوری روم بعد از ظهور اسلام پرداخته است. نکته مهم دیگر در تاریخ روم آن است که مسعودی با دیدی که ناشی از نگرش وی به تاریخ جهانی است هم به تاریخ اسلام و مسلمانان توجه کرده و هم به مسائل جاری در امپراطوری ایران پرداخته است. برای مثال مسعودی جریان فتح عموریه بوسیله مقتصم خلیفه عباسی را شرح می‌دهد و می‌نویسد:

«توفیل پسر میخائيل چهارده سال بقیه ایام مامون و دوران مقتصم و قسمتی از صدر خلافت واقع پادشاهی کرد همو بود که شهر زبده را که از درینهای جزیره بود بگشود و مقتصم به جنگ بیرون شد و عموریه را بگشود.»^{۳۱}

همچنین اخبار مربوط به غصب حکومت توسط بهرام چوبین و فرار وی به روم و یا جنگهای چندین و چندساله دولت ساسانی با دولت روم در بخش‌هایی از تاریخ روم آمد است.

که علی را آنجا نیابت داده بود بازگشت. در این غزا پیغمبر (ص) وقتی ناخشنودی علی بن ابی طالب را از اینکه در مدینه به جا مانده بود بدبود بلو گفت: آیا نمی‌خواهی نسبت به من چون هارون نسبت به موسی باشی جز آنکه یغمبری پس از من نیست.»^{۳۲}

مسعودی همچنین واقعه معروف غدیر خم و حدیث معروف ولایت یعنی «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» را در این کتاب بیان کرده و حتی به بزرگ بودن این روز در نزد شیعیان توجه کرده اما زمان وقوع آن را مربوط به سال ششم و زمان صلح حدیثی می‌داند.^{۳۳} و در جایی دیگر با اوردن حدیث از پیامبر (ص) موضوع امامت در نزد شیعیان دوازده امامی را مورد بحث قرار داده و درباره مهدی (عج) می‌نویسد:

«... در وقت حاضر تاریخ کتاب ما انتظار او را می‌برند محمدمبن حسن بن محمدبن علی بن موسی بن جعفر بن محمدبن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب است. رضوان الله عليهم اجمعین.»^{۳۴}

همچنین با آگاهی بر اینکه مسعودی در کتاب دیگر خویش به نام مروج الذهب و معادن الجوهر یک بخش را به